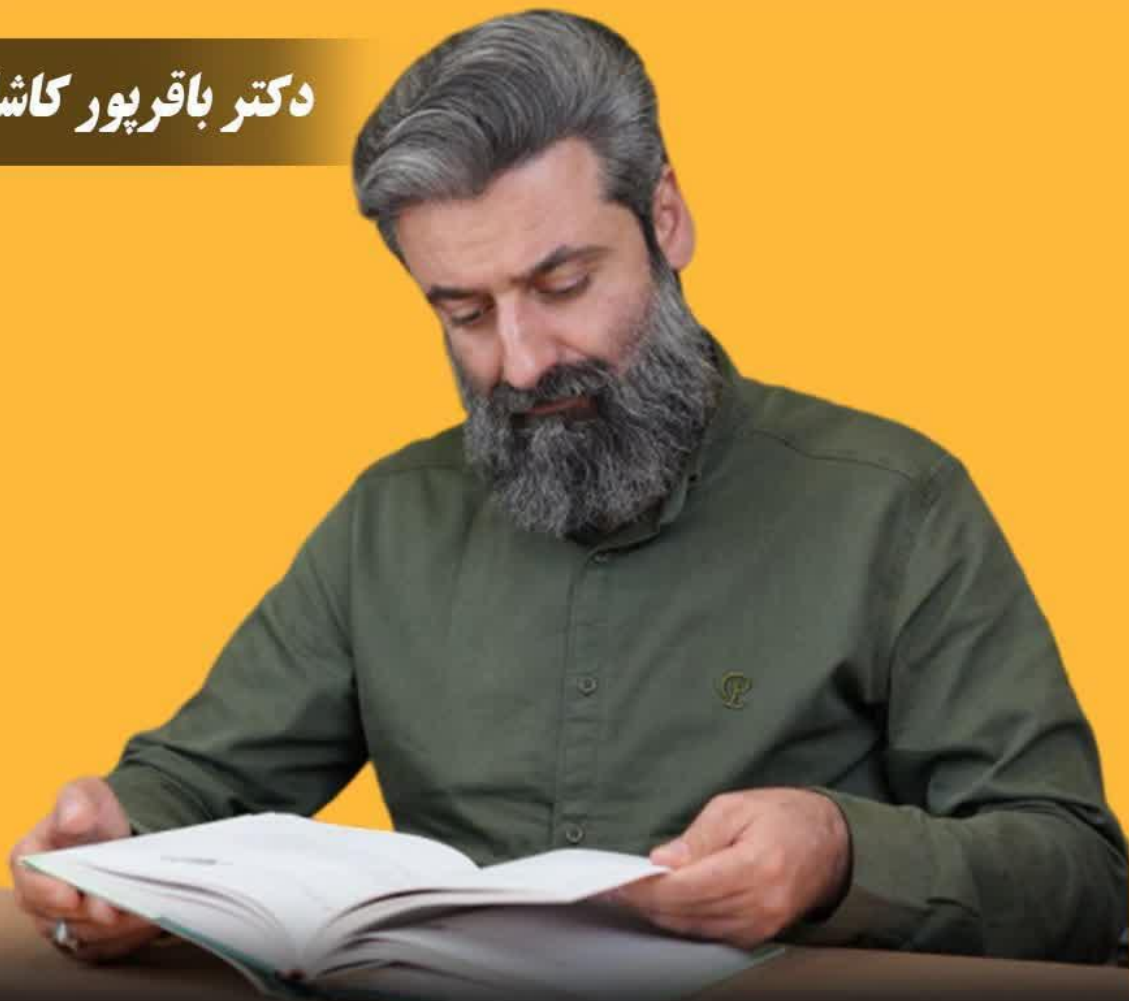


دکتر باقرپور کاشانی



جمع تائیر دعا با علم خداوند به آینده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## جمع تأثیر دعا با علم خداوند به آینده

اما علم خداوند به آینده و اینکه من بهشتی می شوم جهنمی می شوم چه کار می کنم، جبر را به دنبال ندارد! خداوند علمش کاشفیت هست، این کمال هست برای خدا.

یعنی خداوند می داند که من با اختیار خودم فعل حسن انجام می دهم یا فعل قبیح انجام می دهم! می داند من فعل قبیح اراده می کنم یا فعل قبیح اراده نمی کنم! اما چون می داند جبر نیست! او تنها می داند که ما چه اراده می کنیم! من مثالی که بعضی وقتها می زنم این است که می گویم ما می بینیم که یک بچه ای در اتوبان دارد می دود، یک ماشین هم با سرعت ۱۶۰ تا حرکت می کند. می دانیم دو ثانیه سه ثانیه دیگر این بچه با این سرعتی که دارد می دود، آن ماشین می زند این را می کشد!

بنده می دانم سه ثانیه دیگر این بچه له می شود و کشته می شود! این مسئله پیش بینی هست.

خداوند هم می داند اول! علم خدا از مقوله کاشفیت هست. اما چون می داند، من گناه نمی کنم!

او می‌داند که من با اراده‌ام در مسیر نادرست استفاده می‌کنم. لذا او می‌داند  
بله! اما چون می‌داند شمر، شمر نمی‌شود! امام حسین، امام حسین بشود!  
به خاطر اینکه اولاً ما دسترسی به علم خدا نداریم! حالا بالآخره در نهایت آن  
چیزی که در علم خداست، من یا ته دوزخ هستم یا نجات پیدا می‌کنم وارد  
بهشت می‌شوم، از این دو حالت خارج نیست! من که دسترسی ندارم به علم  
خدا بینم در علم خدا جریان چیست!

اما من واقعاً به وجدان حس می‌کنم مختارم! می‌توانم حرف خوب بزنم  
می‌توانم حرف بد بزنم، می‌توانم اصلاً حرف نزنم! تمام این‌ها را درک می‌کنم.  
منتها هر کدام از این‌ها را که انجام بدهم، علتش چیست؟ علتش خود من  
هستم! منتها خدا می‌داند!

-اندیشه‌جو:

ولی خدا می‌داند شما این کتاب را می‌خوانید یا نمی‌خوانید.

-دکتر باقر پورکاشانی:

اون می‌داند چون می‌داند من این کتاب را باز نمی‌کنم بخوانم! تمام نکته‌اش  
این‌جا این است! او می‌داند از قبل که من چه اراده می‌کنم! علت اینکه این  
کتاب را باز کرده کیست؟ منم! خداوند علم دارد که من چه اراده می‌کنم!  
دخالت نمی‌کند!

-اندیشه جو:

پس دعا کردن ما هیچ فایده‌ای ندارد!

-دکتر باقر پورکاشانی:

دعا کردن فرق می‌کند!

-اندیشه جو:

مهم این است که خدا می‌داند. آیا می‌تواند دخالت کند؟ دخالت می‌کند یا نمی‌کند؟

-دکتر باقر پورکاشانی:

او به خودش مربوط است! بخواهد دخالت می‌کند بخواهد نمی‌کند! ولی جبر آور نیست. دعا هم همین‌طور! شما خودت با اختیار خودت از آن مبدأ اعلیٰ می‌خواهی و می‌دانی که او قادر هست! می‌دانی که او می‌تواند کمک بکند، دستش بسته نیست! شما از او می‌خواهی. یعنی پس این هم خودش یک عمل هست اراده کردی از او می‌خواهی. او هم مشکلات را حل می‌کند! همان هم می‌دانسته که شما از او می‌خواهی که او مشکلات هم حل کند! اما باز می‌گوییم چون او می‌دانسته که تو از او می‌خواهی و مشکلات حل می‌شود، دلیل بر این نمی‌شود که من از او خواستم! نه من با اراده خودم واقعاً نگاه می‌کنم مبدأ اعلیٰ، می‌دانم حقیقتی قادر هست، بر هر چیزی قادر هست، لذا چه کار می‌کنم؟! مشکلی گیر کردم از او می‌خواهم!

خودش هم گفته بخواه مثلاً. چه مشکلی دارد؟! خدا هم می خواهد این کار را انجام بدهد! جبری به وجود نمی آید! من با اراده خودم چنین چیزی را خواستم. می توانم با اراده خودم دعا نخواهم! اصلاً دعا نکنم! این را از یک مبدأ باطلی بخوام یا اصلاً نه از هیچ چیزی نخواهم! اصلاً دعا را یک چیز لغو و بیهوده بدانم. اصلاً به خدا اعتقادی ندارم! کار دیگری بخوام انجام بدهم! پس اینکه او می داند دلیل بر این نیست که بنده خوب بشوم، بد بشوم!

بله علم از مقوله کاشفیت هست، کشف هست برای او. مثل این می ماند که مواردی هست که من اینها را تأیید نمی کنم، اما برخورد داشتیم با افرادی که اینها غیب می گفتند! و این نه الان هست در زمان قدیم هم بوده! در زمان فرعون مثلاً افراد می آمدند می گفتند یک فرزندی یک کودکی به زودی به دنیا می آید که سلطنت تو را به باد می دهد. سر همین ماجرا می آمدند هرچه بچه کوچک هست ذبح می کردند! حالا ماجرای حضرت موسی علیه السلام چنان شد که خدا خواست حفظش کند.

حالا ببینید بعضی وقتها با یک افرادی شما برخورد می کنی به هر ترتیبی یا با جن ارتباط دارند، یا علم جفر می دانند، در ارتباط با ستارگان هستند، به هر طریقی یک مسأله ای را می گوید؛ می گوید نگاه کن فلانی فردا یک بنده خدایی این طوری می گوید، تو این طوری عمل کن! یا فردا این اتفاق برای تو می افتد! فردا مثلاً فرض کن بابابزرگت می میرد!

من یک پوزخند می‌زنم می‌گویم آقا این حرف‌ها را نزن! اما فردا می‌بینم بابابزرگم مرد! حالا این چون روز قبل می‌دانسته بابابزرگم می‌میرد، علت مردن بابابزرگم شد؟

نه! این می‌دانسته فقط! بابابزرگم یک لخته خون در مغزش قرار می‌گیرد سگته مغزی می‌کند! عاملش این است! همین! عامل طبیعی دارد!

دلیلش این نیست که این جن‌گیر و کهنه و ساحر و ستاره‌شناس، این چون روز قبلش اطلاع داد بابابزرگت می‌میرد و می‌دانست بابابزرگ من می‌میرد، این چون می‌دانست بابابزرگ باید می‌مرد! علتش این بوده!

نه! این خبر درست داد. اما علت چی بود؟! علت چیز دیگری بود! این چه خبر می‌داد چه خبر نمی‌داد، بابابزرگ من فردا می‌مرد!

اما خبر داد. ببینید اگرچه خدا بداند چه خدا نداند، این دانستن و ندانستن، کمال و سلب کمال از خداست. چه خدا بداند چه خدا نداند، شمر با اختیار خودش آن کار را انجام می‌داد! من و شما هم هر کدام یک کاری داریم انجام می‌دهیم؛ چه خدا بداند چه خدا نداند!

چون ما علت هستیم! اما کمال بر خداست که بداند! هیچ جهلی برای خدا مطرح نباشد، می‌داند. اما می‌داند دلیل بر این نیست که جبر باشد که حتماً باید چنین اتفاقی بیفتد!

یعنی علت باشد دانستن او که باید این اتفاق بیفتد! نه! علت خود من هستم،  
علت من هستم که با اراده خیر یا اراده شر، فعلی را انجام می‌دهم یا فعلی را  
ترک می‌کنم.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَاقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ



@aparat.com/be  
\_sooye\_zohoor



v\_bagherpour\_  
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpoor-  
kashani.com/



@serat12k



youtube.  
com/c/seratehagh



https:  
//naakhodaa.ir